

مداخلات خارجی در اصفهان و پیامدهای اجتماعی آن در جنگ جهانی اول

سیدرسول ابطحی^۱ / علی اکبر جعفری^۲ / مرتضی نورائی^۳

چکیده

حضور و رقابت دولت‌های خارجی در ایران که از پیش از جنگ جهانی اول شروع شده بود، با آغاز جنگ و سپس اشغال ایران شدت یافت. در این میان، اصفهان که در مرکز جغرافیایی ایران و بر سر راه‌های تجاری قرار داشت، هم میدان رقابت سه قدرت روس، انگلیس و آلمان گردید و هم به اشغال نظامی روسها درآمد. حضور و رقابت نیروهای خارجی، که از حمایت طرفداران داخلی خویش برخوردار بودند، باعث تأثیراتی زاینبار در عرصه اجتماع و زندگی مردم شهر اصفهان شد. سؤال اصلی مقاله این است که پیامدهای اجتماعی مداخلات خارجی‌ها در اصفهان در دوران جنگ جهانی اول چه بود؟ به همین منظور سعی بر آن است تا با کاربردی روش تحقیق تاریخی که مبتنی بر توصیف و تحلیل داده‌هاست پاسخی به این سؤال داده شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند دخالت‌های نیروهای خارجی در اصفهان و رقابت‌های آنها با یکدیگر عمدتاً تشدیدکننده شرایط نامناسب پیشین زندگی اجتماعی مردم شهر اعم از هرج و مرج، ناامنی و کمبود نان بود. لذا در این تحقیق برآنیم تا با تکیه بر اسناد، خاطرات، سفرنامه‌ها و روزنامه‌ها به بررسی و تحلیل دخالت‌های نیروهای خارجی در اصفهان و پیامدهای اجتماعی این مداخلات در زندگی مردم شهر در دوران جنگ جهانی اول بپردازیم. واژگان کلیدی: اصفهان، جنگ جهانی اول، نیروهای خارجی، هرج و مرج، ناامنی، قحطی.

Foreign Inferences in and Their Social Consequences in Isfahan during World War I

Seyed Rasoul Abtahi⁴ / Ali Akbar Jafari⁵ / Morteza Nouraei⁶

Abstract

In Iran, the presence of forces supported by handful foreign countries had begun before World War I. With the onset of the war, this presence intensified and led to Iran's occupation. Meanwhile, Isfahan, being located in the geographical center of the country and therefore regarded as the country's economic and trade cross section had become the battleground of the three world powers of the time; Russia, Britain and Germany. In the same period, the city saw the Russian military occupation as well. These foreign forces alongside with their domestic hirelings had a damaging effect on the contemporary Iranian society and its citizens. The main research question of the present article is: What were the social consequences of foreign interferences in Isfahan and its society during World War I? The findings of the article show that the interferences of the foreign forces in Isfahan mainly exacerbated the city's earlier social problems and led the citizens' lives towards chaos, insecurity and famine. Through utilization of a descriptive-analytical methodology, the article reviews key historical documents, memoirs, travelogues and newspapers so that the significances of the foreign interferences in the city and their social consequences city can be investigated during World War I. Keywords: Isfahan, World War I, Foreign Forces, Chaos, Insecurity, Famine.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ محلی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری آقای سیدرسول ابطحی از دانشگاه اصفهان با عنوان تحلیل و بررسی تغییرات اجتماعی و مناسبات آن با ساخت سیاسی شهر اصفهان (۱۳۸۷-۱۳۰۴ش) است.
۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان
۳. استاد گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان
4. Ph.D. Candidate of Local History, University of Isfahan. Email: Localhistory93@yahoo.com
5. Associate Professor, Department of History, University of Isfahan. Email: a.jafari2348@yahoo.com
6. Lecturer, Department of History, University of Isfahan. Email: mortezanouraei@yahoo.com

مقدمه

جنگ جهانی اول در اوت ۱۹۱۴م/رمضان ۱۳۳۲ق بین دول محور و دول متفق شروع شد و تا نوامبر ۱۹۱۸م/صفر ۱۳۳۷ق به طول انجامید. در سومین ماه شروع جنگ، دولت ایران اعلام بی طرفی کرد، اما موقعیت استراتژیکی، ضعف دولت مرکزی، بی ثباتی و کوتاه بودن عمر کابینه‌ها و حضور نیروهای نظامی کشورهای درگیر در جنگ در خاک ایران باعث شد که این کشور عرصه مداخلات، کشمکش‌ها و نبرد نیروهای خارجی درگیر در جنگ شود. عثمانی‌ها با طرح شعار اتحاد اسلام و با استفاده از نفرت ایرانیان از دخالت‌های گسترده استعماری روس و انگلیس در ایران سعی داشتند دولت و مردم ایران را به جنگ با دول متفق ترغیب کنند. آلمانی‌ها نیز با حمایت از این شعار و با وعده کمک‌های مالی و نظامی و تبلیغات گوناگون تلاش می‌کردند اقلشار مختلف مردم را با خود همراه کنند. در مقابل، روس و انگلیس هم در پی حفظ و گسترش منافع دیرپای خود در ایران بودند و می‌کوشیدند نیروهای مخالف خویش اعم از خارجی‌ها و طرفداران داخلی آنها را شکست دهند. در این شرایط، ایران به اشغال نظامی بیگانگان درآمد و شهرها و مناطق مختلف آن با توجه به موقعیت جغرافیایی و دوری و نزدیکی‌شان به مناطق تحت نفوذ قدرت‌های بیگانه و نحوه دخالت آنها، دستخوش حوادث گوناگون و متحمل آسیب‌ها و خساراتی شد که نتایج آن تا مدت‌ها پس از پایان جنگ باقی ماند. یکی از این شهرها اصفهان بود که در طول جنگ، به علت مرکزیت جغرافیایی آن و قرارگرفتن بر سر راه‌های تجاری، عرصه رقابت و دخالت بیگانگان شد. بر این اساس، این پژوهش در نظر دارد با این فرض کلی که مداخلات خارجی عواقب وخیمی برای ایران داشت، به بررسی این مداخلات در شهر اصفهان بپردازد و تأثیرات آن را بر عرصه اجتماع و زندگی مردم این شهر تبیین کند و به این پرسش اصلی پاسخ دهد که پیامدهای اجتماعی مداخلات خارجی‌ها در اصفهان در دوران جنگ جهانی اول چه بود.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد رضاقلی‌زاده آهنگر فقط حوادث سیاسی اصفهان در طول جنگ جهانی اول را بدون استفاده از اسناد بررسی کرده است.^۷ ملایی‌توانی نیز گرچه به برخی فعالیت‌های آلمانی‌ها در اصفهان اشاراتی می‌کند، اما اساساً مطالعه او محلی و منطقه‌ای نیست و با رویکرد به مسائل کلان کشوری به رخنه آلمان‌ها در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران می‌پردازد.^۸

۷. نرگس رضاقلی‌زاده آهنگر، «اصفهان و جنگ جهانی اول»، مجموعه مقالات همایش اصفهان مشروطه اصیل ایرانی، به اهتمام محمدعلی چلونگر (اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری، ۱۳۸۵)، صص ۲۸۳-۳۱۰.
 ۸. علیرضا ملایی‌توانی، «جنگ جهانی اول آلمان‌ها و رخنه در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران»، تاریخ معاصر ایران، س اول، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۶)، صص ۲۵-۴۸.

این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد تا علاوه بر پرسش اصلی، به این پرسش‌ها نیز پاسخ دهد: کدام یک از نیروهای خارجی در طول جنگ جهانی اول در اصفهان مداخله کردند؟ نحوه مداخله آنها و روابطشان با یکدیگر چگونه بود؟ روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و مبتنی بر اسناد، خاطرات، سفرنامه‌ها و روزنامه‌هاست.

۱. مداخلات خارجی در اصفهان در جنگ جهانی اول

با گذشت حدود دو ماه از شروع جنگ جهانی اول، نیروهای عثمانی و روسی همراه با عوامل داخلی خود در آذربایجان با یکدیگر درگیر شدند.^۹ سپس سربازان انگلیسی با ادعای حفظ امنیت میدین، چاه‌ها و تأسیسات نفتی خوزستان در برابر تحریکات عوامل عثمانی و آلمان در جنوب ایران مستقر شدند.^{۱۰} این اقدامات به سرعت ایران را عرصه مداخله آلمان و عثمانی بر ضد روسیه و انگلیس کرد. چنان که در سال اول جنگ، عثمانی بخش‌هایی از قسمت‌های غربی ایران را تصرف کرد و ایرانی‌ها با کمک آلمانی‌ها تلاش کردند به مقابله با نیروهای روس و انگلیس بپردازند. در واکنش به این امر، ایران مورد تهاجم گسترده روس و انگلیس قرار گرفت و بخش‌های وسیعی از آن اشغال شد و تلاش عثمانی‌ها هم برای استفاده از ایران به عنوان جبهه‌ای بر ضد دول متفق بی‌نتیجه ماند. در میانه جنگ، انقلاب روسیه رخ داد؛ ارتش روسیه از هم پاشید و ایران را ترک کرد. در همین ایام، آمریکا به نفع متفقین وارد جنگ شد و با پیروزی انگلیسی‌ها بر ضد عثمانی در بین‌النهرین، انگلستان به قدرت برتر در ایران تبدیل شد و بخش‌های وسیعی از کشور را اشغال کرد.^{۱۱}

در این میان، اصفهان، به علت دوری از مناطق غربی و شکست عثمانی‌ها، مورد حمله و یا دخالت مستقیم عثمانی قرار نگرفت، اما عرصه رقابت سه دولت روسیه، انگلیس و آلمان شد. دخالت روس و انگلیس در اصفهان سابقه‌ای قدیمی داشت. در زمان ناصرالدین شاه، ظل‌السلطان، فرزند ارشد او و حاکم اصفهان، روابط خوبی با انگلیسی‌ها داشت و حکومت او بر بخش اعظمی از نواحی جنوبی ایران، که منطقه نفوذ انگلیسی‌ها بود، در راستای منافع انگلستان بود.^{۱۲} قتل ناصرالدین شاه و روی کار آمدن مظفرالدین شاه، که تابع روس‌ها بود، نیز باعث نفوذ روسیه در اصفهان شد، چنان که روس‌ها در سال ۱۳۱۵ ق/ ۱۸۹۷ م، با وجود مخالفت انگلیسی‌ها، برای اولین بار کنسول خانه

۹. مورخ‌الدوله سپهر، *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴* (تهران: نشر ادیب، ۱۳۶۲)، ص ۹۲.

۱۰. اولریخ گرکه، *پیش به سوی شرق*، ترجمه پرویز صدیقی، ج ۱ (تهران: کتاب سیامک، ۱۳۷۷)، ص ۱۶۳.

۱۱. محمدقلی مجد، *قحطی بزرگ*، ترجمه محمد کریمی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷)، ص ۱۱۷.

۱۲. ویلفرید اسپاروی، *فرزندان درباری ایران*، ترجمه محمدحسین آریا لریستانی (تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۹)، ص ۲۳۲.

خود را در شهر اصفهان دایر کردند.^{۱۳} اما دخالت و حضور آلمانی‌ها در اصفهان موضوعی جدید بود که به‌واسطه حضور آنها، عده‌ای از دیگر ملیت‌های اروپایی مانند لهستانی‌ها، بوهمی‌ها، کروات‌ها، رومانیایی‌ها و بوسنیایی‌ها نیز به اصفهان آمدند. این افراد فراریان دول محور از زندان روس‌ها بودند^{۱۴} که به‌عنوان نیروهای طرفدار آلمان در امور شهر و کشور مداخله می‌کردند. بنابراین، در این مقاله در کنار مداخلات روس‌ها و انگلیسی‌ها در شهر اصفهان، نقش اینان نیز به‌عنوان همان نیروهای آلمانی بررسی خواهد شد.

۱-۱. مداخلات روس‌ها در اصفهان

رقابت‌های سیاسی در اروپا، ترس بریتانیا از قدرت فزاینده آلمان و نیاز روسیه به جبران خسارات ناشی از جنگ این کشور با ژاپن و انقلاب ۱۹۰۵م در روسیه، دو قدرت رقیب روس و انگلیس را به انعقاد قراردادی ملزم کرد که به‌منزله پایان استقلال ایران بود. بعد از این قرارداد روس‌ها به‌گونه‌ای در ایران رفتار می‌کردند که گویی این کشور یکی از ایالات تسخیرشده آنان است.^{۱۵} براساس قرارداد ۱۹۰۷م، اصفهان، در قسمت پایانی منطقه نفوذ روسیه، سهم این کشور شد.^{۱۶} این تقسیم‌بندی نفوذ روس‌ها را در این شهر بیشتر کرد. آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های پس از انقلاب مشروطه هم به این نفوذ فزاینده کمک کرد. براساس گزارش سرکنسول انگلیس، در سال ۱۹۱۲م/ ۱۳۳۰ق، به علت ناامنی در راه‌های جنوبی کشور و افزایش نرخ کرایه بارها، کالاهای انگلیسی کمتری در مقایسه با کالاهای روسی، که در حال افزایش بودند، وارد اصفهان شدند و به تجارتخانه‌های انگلستان در اصفهان خسارات زیادی وارد آمد.^{۱۷}

از دیگر تلاش‌های روسیه برای افزایش نفوذ خود در شهرهای ایران، استفاده از کنسول‌گری‌ها و شعب بانک استقراضی خویش برای حمایت از افراد بانفوذ و ثروتمند شهرها بود. در واقع

13. Heidi A. Walcher, *In the Shadow of the King: Zill al-Sultan and Isfahan under the Qajars* (London: I. B. Tauris, 2008), p. 266.

۱۴. اسکارفن نیدرمایر، *زیر آفتاب سوزان ایران*، ترجمه کیکاووس جهانداری (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳)، ص ۲۹۰.
 ۱۵. ف. کاظم‌زاده، «روابط ایران با روسیه تا سال ۱۹۲۱»، *تاریخ ایران کمبریج دوره افشار، زند و قاجار*، به سرپرستی پیترو آوری، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، دفتر اول از جلد هفتم (تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۷)، صص ۳۳۹-۳۳۰.
 ۱۶. ع وحید مازندرانی، *قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران* (تهران: کتابخانه سقراط، ۱۳۲۸)، صص ۲۷-۲۸؛ سپهر، ص ۳۶۳.

۱۷. رحیم رضازاده ملک (به اهتمام)، *انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس (کتاب‌های آبی)* (تهران: انتشارات مازیار و معین، ۱۳۷۷)، ص ۷۵۳.

«کنسول‌گری‌های روسیه دولتی در درون دولت بودند و گاه کنسول‌ها حتی به جمع‌آوری مالیات‌های محلی می‌پرداختند.»^{۱۸} در اصفهان بانک استقراضی در قبال وثیقه املاک و مستغلات به اهالی شهر وام می‌داد و در عوض از دخالت مأموران دولتی برای دریافت مالیات و غیره از آنها جلوگیری می‌کرد.^{۱۹} حتی کنسول‌گری روسیه به مردم اخطار داد مالیات خود را به بانک استقراضی روسیه بدهند^{۲۰} و فراش حکومت را به روستاهای خود راه ندهند.^{۲۱} در این موارد، صاحب ملک هم به تابعیت روسیه درمی‌آمد و در مواقع نیاز از حمایت کنسول‌گری این کشور استفاده می‌کرد. این کار به تدریج در اصفهان آن‌چنان توسعه یافت که حتی اتباع قفقازی روسیه املاک اعیان شهر را اجاره می‌کردند و به تحت‌الحمایگی کنسول‌گری روسیه درمی‌آوردند.^{۲۲} نتیجه این فعالیت این شد که بیشتر موارد تحت حمایت قراردادن املاک اعیان و اشراف توسط روس‌ها، در اصفهان رخ داد.^{۲۳} ابتدا بانو عظمی، خواهر ظل‌السلطان، املاک خود را در اصفهان تحت حمایت روس‌ها قرار داد که در نتیجه دولت ایران قادر به اخذ مالیات از او نبود.^{۲۴} سپس ظل‌السلطان، حاکم سابق اصفهان، در سال ۱۹۱۳م/ ۱۳۳۱ق، چنین اقدامی کرد.^{۲۵} این خواهر و برادر که در مدت طولانی حکومت ظل‌السلطان بر اصفهان، در مجموع ۹۲ روستای بزرگ و پررونق را با جمعیتی در حدود ۱۵۰ هزار نفر به مالکیت خود درآورده بودند،^{۲۶} با قراردادن املاک خویش در حمایت روس‌ها باعث نفوذ هرچه بیشتر روسیه در اصفهان و توابع آن شدند.

فون کاور^{۲۷}، رئیس بانک استقراضی روس در اصفهان، پس از تحت‌الحمایگی ظل‌السلطان و املاک او، در ابتدای سال ۱۹۱۴م/ ۱۳۳۲ق، برای به‌دست‌آوردن امتیاز آبیاری، خریداری و

۱۸. کاظم‌زاده، ج ۷، ص ۳۳۰.

۱۹. عبدالله بهرامی، *خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا* (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۳)، ص ۳۲۸.

۲۰. عبدالحسین خان ملک‌المورخین، *سفرنامه و تاریخ اصفهان*، به کوشش حسن جوادی (تهران: انتشارات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۹۲)، ص ۴۳.

۲۱. همان، ص ۴۶.

۲۲. بهرامی، ص ۳۲۸.

۲۳. گرکه، ج ۱، ص ۵۲.

۲۴. عبدالمهدی رجایی، *اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول* (اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶)، ص ۱۸۲.
25. *Iran Political Diaries (IPD)*, Editor: R. M. Burrell, vol. V. (London: National Archive Edition, 1997), p. 410.

۲۶. احمد اشرف و علی بنوعزیزی، *طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی (تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۷)، ص ۵۲.

تصرف زمین‌های وسیع اتباع روسی اقدام کرد که این امر نشان می‌داد اصفهان به مرکز ثقل فعالیت‌های سیاسی-اقتصادی روسیه تبدیل شده است. این مسئله باعث اعتراض انگلیسی‌ها شد^{۲۸} و در مناسبات صمصام‌السلطنه، حاکم بختیاری اصفهان که انگلستان حامی او بود، با روس‌ها دشواری‌هایی پدید آورد. برای نمونه، کنسول روسیه تلاش داشت یکی از نامزدهای مورد حمایت خود را برای مجلس سوم از اصفهان انتخاب کند، اما صمصام‌السلطنه زیر بار نمی‌رفت.^{۲۹} بنابراین زمانی که صمصام دستور تشکیل «انجمن نظار»^{۳۰} را برای انتخاب نمایندگان اصفهان صادر کرد، کنسول روسیه به او اعتراض کرد که چرا از کسان ظل‌السلطان که رکن و ثلث شهر و توابع آن هستند، کسی به‌عنوان نماینده احضار نشده است، در حالی که باید یک نفر از کسان او در این انجمن باشد.^{۳۱} چنین درگیری‌هایی باعث شد سفیر روسیه در تهران از سفارت انگلستان خواهان عزل صمصام‌السلطنه از حکومت اصفهان شود، هر چند انگلستان در برابر این درخواست مقاومت کرد.^{۳۲}

در دومین سال جنگ، با فعال شدن آلمانی‌ها و طرفداران ایرانی آنها در اصفهان، به فون کاور و همراه او، مسیو پا که^{۳۳} بلژیکی، رئیس مالیه اصفهان، در ۱۸ می ۱۹۱۵ / ۴ رجب ۱۳۳۳ ق، شبانه حمله شد. فون کاور کشته شد،^{۳۴} اما همراه بلژیکی او نجات یافت و صبح زود اصفهان را به سمت تهران ترک کرد.^{۳۵} فون کاور از مأموران سیاسی دولت روسیه بود که علاوه بر ریاست بانک استقراضی روس، نیابت کنسول‌گری روسیه در اصفهان را داشت. او در مدت کوتاهی نفوذ فوق‌العاده‌ای در اصفهان پیدا کرده بود و با حمایت از خاندان ظل‌السلطان و متقابلاً حمایت آنها از او، در تمام امور اصفهان مداخله می‌کرد.^{۳۶}

۲۸. گرکه، ج ۱، صص ۵۲-۵۳.

29. IPD, pp. 632, 636.

۳۰. انجمن نظار انجمنی برای نظارت بر انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی در هر منطقه بود. این انجمن شامل شش نفر از بزرگان شش طبقه از انتخاب‌کنندگان هر منطقه، تحت نظارت موقتی حاکم یا معاون حاکم آن شهر یا منطقه بود. ن. ک.: عبدالمهدی رجایی، تاریخ مشروطیت اصفهان (اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵)، ص ۲۶.

۳۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سال ۱۳۳۲ ق، پوشه ۳۷۸۵-۲۹۳، سند ۴.

۳۲. گرکه، ج ۱، صص ۵۵-۵۶.

33. Pakeh

۳۴. سپهر، صص ۱۷۶-۱۷۷.

۳۵. سید محمود شریف‌همایون، خاطرات شریف‌همایون، تصحیح عبدالمهدی رجایی (قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۴)،

ص ۵۴.

۳۶. بهرامی، ص ۳۲۸.

با افزایش مخالفت‌ها با حضور و فعالیت روس‌ها در اصفهان، آنها مجبور به ترک این شهر شدند، اما با پیشروی نیروهای نظامی روسیه از سمت قزوین به مرکز و شرق ایران که منجر به تصرف قم و کاشان شد، روس‌ها توانستند با شکست نیروهای مجاهدین، سردار صولت بختیاری و دیگر مدافعان شهر، در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۱۶/۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۴ق، اصفهان را به اشغال نظامی خود درآورند. روس‌ها در مکان‌هایی مانند باغ‌نو، هشت‌بهشت، شمس‌آباد، چهارباغ، فرح‌آباد، کنسول‌خانه و مکان‌های دیگر ساکن شدند، به گونه‌ای که عملاً در تمام شهر پراکنده شدند و در مکان‌های عمومی رفت‌وآمد می‌کردند.^{۳۷} آنها محمود میرزا یمین‌السلطنه، پسر ظل‌السلطان، را به حکومت اصفهان گماشتند^{۳۸} و نواحی اطراف اصفهان را هم بین دیگر فرزندان ظل‌السلطان تقسیم کردند. خانه و اثاث مخالفان روسیه و طرفداران کمیته دفاع ملی مانند بی‌بی مریم بختیاری، امین‌التجار و غیره غارت شد. املاک حاج‌آقا نورالله و حاج‌آقا جمال نجفی توقیف و محصولات آنها مصادره شد. روستای ورنامخواست که متعلق به ضرغام‌السلطنه بختیاری بود، به دلیل مقاومت پسر او، محمدرحیم‌خان، به توپ بسته شد که عده زیادی زن و کودک همراه با پسر ضرغام‌السلطنه کشته شدند و محصولات روستا ضبط شد.^{۳۹} ظاهراً در همین زمان بود که روس‌ها طی بیانیه‌ای اعلام کردند هر یک از اشرار (مردم اصفهان) که بر ضد نیروهای روسی وارد گروه آشوب‌طلبان (مجاهدان) بشود، تمام اموال و دارایی‌اش برای جبران خسارت سپاه روسیه ضبط می‌شود.^{۴۰}

پس از مدتی، ظل‌السلطان به ایران بازگشت و با حمایت روس‌ها و موافقت انگلیسی‌ها در اکتبر ۱۹۱۶م/ذی‌الحجه ۱۳۳۴ق، در مقام حاکم اصفهان، وارد این شهر شد.^{۴۱} نفوذ روس‌ها در اصفهان با حاکمیت ظل‌السلطان و پسران او، به‌ویژه صارم‌الدوله، تا اوت ۱۹۱۷م/ذی‌القعدة ۱۳۳۵ق، که سربازان روس به علت انقلاب روسیه و آشفتگی در کشورشان مجبور به تخلیه ایران شدند، به مدت یک سال و نیم ادامه یافت. با خروج روس‌ها و عزل ظل‌السلطان، برادر بزرگ احمدشاه،

۳۷. حاج میرزا عبدالجواد اخوت، از طبایب تا تجارت خاطرات یک تاجر اصفهانی، به کوشش مهدی نفیسی (تهران: نشر تاریخ

ایران، ۱۳۸۶)، ص ۲۰۸.

۳۸. سپهر، ص ۳۰۳.

۳۹. نورالله دانشور علوی، تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری، به کوشش حسین سعادت نوری (تهران: کتابخانه دانش، ۱۳۳۵)، ص ۱۷۰؛ جلال‌الدین همایی، تاریخ اصفهان حوادث و وقایع و حکام و سلاطین اصفهان، به کوشش ماهدخت بانوهامی (تهران: پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵)، ص ۷۲۵.

۴۰. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سال ۱۳۳۳ق، پوشه ۳۰۲۴-۲۹۱، سند ۱.

۴۱. همایی، صص ۷۲۶-۷۲۷.

اعتضادالسلطنه، حاکم اصفهان شد و مجاهدان و مخالفان روس‌ها که مجبور به ترک شهر شده بودند، به اصفهان بازگشتند.^{۴۲}

۱-۲. مداخلات آلمانی‌ها در اصفهان

پس از شروع جنگ جهانی اول، با توجه به اهمیت هندوستان برای انگلستان، طرح مشترک آلمان و عثمانی این بود که با فرستادن هیئتی از راه ایران، حبیب‌الله خان، امیر افغانستان، را به جنگ با انگلیسی‌ها در هندوستان تشویق کنند و به منافع آن کشور در هندوستان آسیب بزنند. اما آلمانی‌ها در پی محبوبیتی که به علت پیروزی‌هایشان در جبهه‌های جنگ علیه روسیه در میان مردم ایران کسب کرده بودند، تصمیم گرفتند برای تسهیل مأموریت خود در ایران، حمایت اقشار مختلف مردم را به دست آورند^{۴۳} و حتی شرایط را برای ورود ایران به جنگ به نفع متحدین فراهم کنند.^{۴۴} به این منظور، مأموران سیاسی و نظامی آلمان زیر پوشش عنوان‌های مختلف مانند متخصص فنی، معلم، پزشک، نمایندگان شرکت‌های تجاری و صنعتی، فرستادگان کلیسا، زمین‌شناس، جانورشناس، محقق، گیاه‌شناس، کاوشگر و غیره در سراسر کشور مشغول فعالیت شدند.^{۴۵}

در اصفهان، ابتدا دکتر پوگین^{۴۶} (معروف به پوژن) در ژانویه ۱۹۱۵م/ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق، در مقام کنسول جدید آلمان وارد این شهر شد که عده‌ای از تجار و جمعی از اشخاص غیر رسمی با چهل تا پنجاه نفر ژاندارم به استقبال او رفتند. این استقبال باعث اعتراض روس و انگلیس شد.^{۴۷} پوژن تقریباً یک سال قبل از این با عنوان نماینده تجاری دولت آلمان وارد اصفهان شده بود و سپس با مراجعت به تهران، پس از شروع جنگ با سمت کنسول‌گری به اصفهان برگشت.^{۴۸} او با تجار اصفهان وارد دادوستد شد و با اجاره زمین‌هایی در اطراف قمشه، از میان تجار و زمین‌داران دوستان و طرفدارانی برای دولت آلمان پیدا کرد.^{۴۹} این اقدامات منافع دولت روسیه را در اصفهان

۴۲. اخوت، صص ۲۲۰-۲۲۲.

۴۳. ویپرت بلوشر، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهانداری (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳)، صص ۲۸-۳۲.

۴۴. گرکه، ج ۱، صص ۲۰۷.

۴۵. ملایی‌توانی، صص ۳۸.

46. Pugin

۴۷. سپهر، صص ۹۳.

۴۸. حسن وحید دستگردی، دیوان وحید دستگردی، به کوشش س. وحیدنیا (تهران: چاپ آفتاب، ۱۳۷۴)، صص ۵۶۲.

۴۹. ضیاءالدین جناب، ایام پرتلاطم (نگاهی به تحولات مشروطه و بنیاد آموزش نوین در اصفهان)، به اهتمام رضا بیطرفان و

مولود ستوده (تهران: انتشارات شیرازه، ۱۳۹۵)، صص ۴۷.

به خطر انداخت و باعث اعتراض کنسول روسیه و به تبع آن دولت ایران به آلمان شد.^{۵۰} سپس به دستور نیدرمایر^{۵۱}، مسئول گروه اعزامی به افغانستان، گروهی آلمانی به سرپرستی سوگمایر^{۵۲} و گریزینگر^{۵۳} از بغداد راهی اصفهان شدند. این گروه باید در ۲۳ آوریل ۱۹۱۵ م / ۸ جمادی الثانی ۱۳۳۳ ق به اصفهان می‌رسیدند.^{۵۴} هدف آنها این بود که اصفهان را به‌عنوان پایگاه و اقامتگاه اصلی هیئت اعزامی به افغانستان آماده کنند.^{۵۵} هم‌زمان نیدرمایر نیز در تهران تلاش می‌کرد برای تسلط بر دولت مرکزی، پایتخت را به اصفهان منتقل کند.^{۵۶} علل توجه آلمانی‌ها به اصفهان این بود که این شهر حداکثر فاصله را از شمال و جنوب ایران داشت که محل استقرار نیروهای نظامی روس و انگلیس بود، و جاده اصلی ایران، یعنی جاده تهران- شیراز- بوشهر، نیز از اصفهان می‌گذشت. همچنین نزدیکی به منطقه‌های عشایرنشین، که آلمانی‌ها در پی جلب حمایت آنها بودند، بر اهمیت این شهر می‌افزود.^{۵۷} گذشته از اینها، اهالی اصفهان هم بدون این که تصویر روشنی از اوضاع داشته باشند، از آلمانی‌ها طرفداری می‌کردند^{۵۸} و احساسات در این شهر غلیان شدیدی داشت.^{۵۹} چنان که وحید دستگردی، شاعر اصفهانی، در مسمطی با عنوان «نارنجک» که با چاپ آن بسیار معروف شد، ضمن انتقاد از روس و انگلیس، پیروزی‌های آلمان‌ها در جنگ و توان نظامی آنها را ستود. هرچند مجبور شد از اصفهان فرار و مهاجرت کند.^{۶۰}

پس از هیئت نیدرمایر، چندی بعد دومین هیئت اعزامی آلمان به کابل هم در ۳۰ ژوئن ۱۹۱۵ م / ۱۷ شعبان ۱۳۳۳ ق وارد اصفهان شد و سپس هر دو هیئت اصفهان را به مقصد افغانستان ترک کردند، در حالی که بخش اصلی هیئت نیدرمایر، به سرپرستی زایلر^{۶۱}، مترجم گروه، در اصفهان ماند. زایلر برنامه تبلیغاتی‌ای را که پوژن، سوگمایر و گریزینگر طرح‌ریزی کرده بودند با موفقیت ادامه

۵۰. سپهر، ص ۱۵۰؛ گرکه، ج ۱، ص ۱۴۰.

51. Niedermayer

52. Zugmayer

53. Griesinger

۵۴. الیور باست، *آلمانی‌ها در ایران*، ترجمه حسین بنی‌احمد (تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۷)، ص ۳۶.

۵۵. گرکه، ج ۱، ص ۱۳۵.

۵۶. نیدرمایر، ص ۷۸.

۵۷. گرکه، ج ۱، ص ۱۳۵.

۵۸. نیدرمایر، ص ۲۸۶.

۵۹. همان، ص ۷۵.

۶۰. وحید دستگردی، صص ۵۶۲-۵۷۱.

داد.^{۶۲} او کنسول‌گری آلمان را در ساختمانی در دروازه دولت اصفهان، که پوژن به‌عنوان تجارت‌خانه و دفتر نمایندگی سیاسی خود بنا کرده بود، دایر ساخت^{۶۳} و طی چند ماه اقامت در اصفهان موفق شد حمایت دموکرات‌ها، روحانیون و نیروهای ژاندارمری را، که فرماندهان سوئدی آنها بیشتر متمایل به آلمان‌ها و دشمن روس‌ها بودند، به دست آورد. البته زایلر در جذب تجار و ملاکان بزرگ چندان توفیق نیافت، اما توانست با سران بختیاری، که از متحدان انگلستان بودند، رابطه برقرار کند و حمایت تعدادی از آنها مانند ضرغام‌السلطنه را به دست آورد. او همچنین اسرای جنگی دول محصور را که از زندان‌های روس‌ها در تهران گریخته بودند، در اصفهان سازماندهی کرد و با جلب محافظان کنسول‌خانه‌های روس و انگلیس به مقابله با طرفداران متفقین در شهر پرداخت.^{۶۴} بر این اساس در میان نیروهای تجهیز شده آلمان‌ها در اصفهان، افراد گوناگونی از نقاط مختلف ایران، مانند آذربایجان و کردستان، و از طبقات مختلف اجتماعی، حتی راهزنانی مانند نایب حسین و پسرش، ماشالله خان، وجود داشتند که حاضر بودند هر کس را از هر طبقه و مقام که مانع پیشرفت مقاصد آلمان‌ها شود، از میان بردارند. بنابراین، همان‌طور که پیشتر فون کاور را کشته بودند، غریب‌خان، از سواران زبده و نزدیک ظل‌السلطان و از عوامل مهم روس‌ها، را ترور و به جان گراهام^{۶۵}، کنسول انگلیس، سوء قصد کردند.^{۶۶}

آلمانی‌ها با ورود زایلر به اصفهان، ایستگاه بی‌سیم را در جای امنی از شهر برپا کردند و به مخابره اخبار جنگ پرداختند.^{۶۷} زایلر حتی با برقراری اتصال‌های زمینی، در خطوط تلگراف انگلیسی‌ها اختلال ایجاد کرد.^{۶۸} فعالیت‌های فریتس نیدرمایر، پزشک گروه و برادر نیدرمایر، هم در جلب اعتماد و دوستی افراد مختلف به‌ویژه متنفذان شهری مؤثر بود. او داروخانه مجهزی داشت و با پزشکان انگلیسی ساکن اصفهان رقابت می‌کرد.^{۶۹} مجموع این موفقیت‌ها و حمایت اکثر مردم شهر و روحانیون از آلمانی‌ها، که بر منابر مردم را بر ضد اشغالگران روس و انگلیس تشویق می‌کردند،^{۷۰}

۶۲. باست، صص ۴۲-۴۴.

۶۳. جناب، صص ۴۷-۴۸.

۶۴. نیدرمایر، صص ۲۸۷-۲۹۲.

65. Grahame

۶۶. علی همایی، *خاطرات همایی*، به اهتمام عبدالمهدی رجایی (قم: مرکز نشر ذخایر اسلامی، ۱۳۹۴)، صص ۶۸-۶۹؛ حسن

جباری انصاری، *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان (اصفهان: روزنامه و مجله خرد، ۱۳۲۲)*، ص ۳۷۰.

۶۷. نیدرمایر، ص ۷۹.

۶۸. همان، ص ۳۹۲.

۶۹. همان، ص ۳۹۰.

۷۰. رضاقلی‌زاده آهنگر، ص ۲۹۵.

باعث اهمیت بیشتر اصفهان شد، به طوری که کنسول انگلیس گزارش داد: «اصفهان مرکز اصلی فعالیت آلمان‌ها شده است. از این‌جا مقدار زیادی اسلحه، مهمات، مسلسل، پول و غیره به مناطق دیگر قاچاق می‌شود و جایی است که افراد اعزامی آلمانی به مناطق دیگر فرستاده می‌شوند.»^{۷۱} با ناامن شدن فضای شهری و زندگی برای اتباع روس و انگلیس، آنها اصفهان را ترک کردند^{۷۲} و شرایط برای فعالیت بر ضد متفقین بهتر شد، چنان‌که آلمانی‌ها با استفاده از نیروهای خویش، پول‌های بانک شاهنشاهی انگلیس را ضبط کردند،^{۷۳} تلگراف‌خانه را اشغال و اموال و املاک انگلیسی‌ها اعم از مدرسه، بیمارستان و متعلقات آنها را تصاحب کردند.^{۷۴} کاردورف^{۷۵}، جانشین زایلر، هم به تجدید تشکیلات کنسول‌گری آلمان پرداخت و سوارانی با لباس متحدالشکل ایجاد کرد که دارای نشان عقاب آلمانی بر روی کلاه بودند.^{۷۶} شونمان^{۷۷}، کنسول آلمانی کرمانشاهان که به اصفهان آمده بود، پیش از این، سواران را در سربازخانه فرح‌آباد اسکان داده بود که مکان ژاندارم‌ها بود.^{۷۸} کاردورف، مانند زایلر، روابط نزدیکی با متنفذان محلی و اعضای کمیته دفاع ملی، که برای انتقال پایتخت به اصفهان آمده بودند، برقرار کرد و جلساتی مخفی با حضور او و شونمان تشکیل می‌شد. با وجود این، هم‌زمان با پیشروی نیروی نظامی روسیه به سمت اصفهان، آلمان‌ها، مجاهدین و مهاجرین مجبور به ترک شهر شدند و بدین ترتیب بعد از حدود چهارده ماه از ورود پوژن به اصفهان، فعالیت‌های آلمانی‌ها در اصفهان به پایان رسید.^{۷۹}

۱-۳. مداخلات انگلیسی‌ها در اصفهان

سیاست انگلستان در قبال توسعه‌طلبی روسیه در ایران با توجه به منافع این کشور در هندوستان تعریف می‌شد. از این رو، در قرارداد ۱۹۰۷م قسمت‌های جنوب شرقی ایران به‌عنوان منطقه نفوذ انگلستان مشخص شد. اما دو عامل لزوم تجدیدنظر در این قرارداد را ضروری ساخت. یکی کشف نفت توسط انگلیسی‌ها در خوزستان که جزء منطقه بی‌طرف بود و دیگری توسعه‌طلبی روس‌ها

71. IPD, p.711.

۷۲. سپهر، ص ۲۱۰.

۷۳. همان، ص ۲۷۸.

۷۴. اخوت، ص ۱۸۹.

75. Kardorf

۷۶. سپهر، ص ۳۰۲.

77. Schonemann

۷۸. همای، ص ۶۸.

۷۹. سپهر، صص ۳۰۲-۳۰۳.

که عملاً منطقه تحت نفوذ خود را تا شروع جنگ جهانی اول اشغال نظامی کرده یا تحت حمایت خود درآورده بودند. بنابراین در سال ۱۹۱۵م/ ۱۳۳۳ق، طی قراردادی، منطقه بی طرف که شامل مناطق مهم نفت خیز می شد، سهم انگلستان شد و در عوض، روسیه برای هر گونه اقدام در نواحی وسیع منطقه نفوذ خویش در ایران، که اصفهان را هم شامل می شد، آزادی عمل پیدا کرد.^{۸۰} بر این اساس انگلستان تا زمان انعقاد این قرارداد بر سر نفوذ در اصفهان با روسیه رقابت می کرد، اما بعد از آن، در طول جنگ جهانی اول تا انقلاب بلشویکی که روسیه از ایران خارج شد، در هماهنگی با سیاست‌های روسیه و حفظ منافع خویش مثلاً در حوزه نفتی خوزستان عمل می کرد.^{۸۱}

از آن جا که انگلستان خان‌های بختیاری را از متحدان خود و حافظ تأسیسات شرکت نفت ایران و انگلیس می دانست، در ابتدا تلاش کرد در برابر توسعه طلبی روس‌ها در اصفهان از صمصام السلطنه، حاکم شهر، حمایت کند.^{۸۲} اما با شروع جنگ و نبرد این دو کشور بر ضد دول محور کوشید هم رضایت روس‌ها و هم رضایت خوانین بختیاری را کسب کند. در نتیجه به پیشنهاد انگلستان، صمصام السلطنه، به رغم اعتراض و مخالفت مردم اصفهان، از مقامش استعفا کرد و یکی دیگر از خان‌های بختیاری، یعنی سردار محتشم، جانشین او شد.^{۸۳}

با شروع فعالیت آلمانی‌ها در اصفهان و سوء قصد به جان کنسول انگلیس، که باعث زخمی شدن او و کشته شدن سرباز هندی همراهش شد، اتباع انگلستان اصفهان را ترک کردند.^{۸۴} اما تلاش انگلیسی‌ها برای خنثی کردن فعالیت‌های آلمانی‌ها در منطقه ادامه یافت. مثلاً، در برابر تلاش آلمان‌ها برای جذب خان‌های بختیاری، انگلستان توانست با استفاده از نفوذ خود در میان خوانین بختیاری و پرداخت مبالغ زیادی پول، وفاداری اکثر آنان را حفظ کند.^{۸۵} بنابراین هنگامی که نیروهای روسی به اصفهان نزدیک شدند، سردار اشجع، حاکم بختیاری اصفهان، با سواران خود شهر را ترک و آن را در دست روس‌ها رها کرد.^{۸۶} پس از اشغال اصفهان هم انگلیسی‌ها سردار محتشم را به سمت

۸۰. کاظم زاده، ج ۷، ص ۴۲۶.

۸۱. همایی، ص ۸۷ و ۷۲۷؛ کاظم زاده، ج ۷، صص ۴۲۴ و ۴۲۶.

۸۲. گرکه، ج ۱، صص ۵۲-۵۳.

۸۳. همان، ج ۱، ص ۵۶؛ IPD, p. 660.

۸۴. فلوریدا سفیری، پلیس جنوب ایران، ترجمه منصوره اتحادیه و منصوره جعفری فشارکی (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴)،

ص ۵۹.

۸۵. نیدرمایر، ص ۲۸۹؛ جن راف گارثویت، تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ترجمه مهرداد امیری (تهران: نشر آرزان، ۱۳۷۳)،

ص ۲۳۸.

۸۶. دانشور علوی، ص ۱۵۷.

ایلخانی منصوب کردند و از او تعهد گرفتند که سران مجاهدین، مهاجرین و کاردورف را که به ایل بختیاری فرار کرده بودند، دستگیر و به آنها تسلیم کند.^{۸۷} با این حال هنوز موقعیت اصفهان متزلزل بود و به جز خطر حمله نیروهای ترک و آلمانی، احتمال تعرض بختیاری‌ها هم وجود داشت، زیرا با حاکمیت ظل‌السلطان بر اصفهان، بختیاری‌ها می‌ترسیدند روس‌ها ظل‌السلطان را بر آنها حاکم کنند. بنابراین انگلستان برای تأمین امنیت و حفظ منافع خود در منطقه، با موافقت روس‌ها، تصمیم به تشکیل نیروی جدیدی به نام پلیس جنوب ایران^{۸۸} گرفت.^{۸۹} هدف از تشکیل این نیرو، علاوه بر مورد ذکر شده، ایجاد اعتبار و حیثیت برای انگلستان در برابر نفوذ و اعتبار روسیه در ایران بود.^{۹۰} سرپرسی سایکس^{۹۱}، ژنرال انگلیسی، مأمور تشکیل این نیرو شد و در رأس آن، طی چند مرحله، چندین شهر از جمله اصفهان را پیمود. سایکس در نوامبر ۱۹۱۶م/ محرم ۱۳۳۵ق از اصفهان به شیراز بازگشت و شیراز را به‌عنوان مقر فرماندهی پلیس جنوب انتخاب کرد،^{۹۲} اما دفتری هم در اصفهان داشت که از جوانان این شهر نیرو جذب می‌کرد^{۹۳} و پس از خروج نیروهای روسی از ایران، جای خالی آنها را در اصفهان پر کرد. دامنه فعالیت‌های این نیرو در مواجهه با راهزنان محلی حتی به مناطق شمالی اصفهان، تا کاشان، هم رسید که نقش مهمی در سرکوبی آنها پس از پایان جنگ داشت.^{۹۴} این دفتر پس از پایان جنگ در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۱۹/ ۹ رجب ۱۳۳۷ق بسته شد.^{۹۵}

۲. پیامدهای اجتماعی مداخلات خارجی در اصفهان

منظور از پیامدهای اجتماعی، تأثیر یا تأثیرات عاملی اجتماعی، مانند نیروی خارجی، بر عناصر و ویژگی‌های سازنده شرایط جامعه است که این شرایط را تضعیف یا تشدید می‌کند.^{۹۶} بر این اساس،

۸۷. دانشور علوی، ص ۱۶۶؛ سپهر، ص ۳۰۳.

88. SPR

۸۹. جیمز مابری، عملیات در ایران (جنگ جهانی اول ۱۹۱۹-۱۹۱۴)، ترجمه کاوه بیات (تهران: انتشارات رسا، ۱۳۶۹)، ص ۲۶۶.

۹۰. سفیری، ص ۲۶.

91. Sir Percy Sykes

۹۲. دنیس رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ترجمه لطفعلی خنجی (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۹)، ص ۲۰۳.

۹۳. رجایی، ص ۳۰۷.

۹۴. مرتضی نورائی، «راهزنی در جاده‌های ایالت اصفهان و اتباع بیگانه»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۳۶ و ۳۷ (اصفهان: بهار و تابستان ۱۳۸۳)، ص ۱۶۲.

۹۵. همای، ص ۱۱۳.

۹۶. گی روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی (تهران: نشر نی، ۱۳۸۱)، صص ۳۲-۳۳.

شروع جنگ جهانی اول و مداخلات نیروهای خارجی تأثیراتی بر شرایط آن روز اصفهان گذاشت که در ادامه بازشناسی و بررسی می‌شوند.

۲-۱. تشدید ناامنی و هرج و مرج

با وقوع انقلاب مشروطه و مشکلات بعدی، به دلیل خلأ قدرتی که در کشور به وجود آمد و تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و سیاسی، ناامنی گسترده‌ای در راه‌های مواصلاتی کشور پدید آمد.^{۹۷} در مرکز کشور و ولایات نیز درگیری و هرج و مرج حکم فرما شد.^{۹۸} شروع جنگ جهانی هم به این معضلات در سطح کشور، از جمله اصفهان، دامن زد. اصفهان که در مرکز جغرافیای سیاسی کشور قرار داشت و میان چهارراهی بود که مسافران، بازرگانان، سفرا و دیپلمات‌ها به آن وارد یا از آن خارج می‌شدند،^{۹۹} مورد توجه رقبای درگیر در جنگ قرار گرفت. این مسئله به رقابت و اختلاف موجود در شهر و توابع آن دامن زد و در نتیجه ناامنی و هرج و مرج بیشتر شد.

نفوذ گسترده روس‌ها در اصفهان و اختلاف آنان با حکام بختیاری شهر، که تحت حمایت انگلستان بودند، از عوامل مهم درگیری بود. حدود چهارماه پیش از شروع جنگ جهانی اول، کنسول روسیه به حاکم اصفهان شکایت کرد که چند مأمور بختیاری روستاهای اطراف شهر را، که تحت حمایت کنسولگری روسیه بودند، غارت و ده نفر از ریش سفیدان را در قمشه زندانی کرده‌اند.^{۱۰۰} شروع جنگ و حضور آلمانی‌ها عرصه را برای اختلافات بیشتر فراهم کرد. پوژن برای رقابت با کنسول روسیه تعدادی از مناطق روستایی اطراف اصفهان را اجاره و دهقانان را برای نبرد با اتباع روسیه مسلح و تجهیز کرد. نتیجه این که دهقانان به جای کشاورزی، با یکدیگر جنگ می‌کردند و درگیری‌ها و آدم‌کشی‌های غیر رسمی مانند جنگ‌های پارتیزانی جریان داشت. بدین ترتیب عوامل روسیه و آلمان برای زورآزمایی، مردم را رو در روی یکدیگر قرار دادند.^{۱۰۱} حضور زایلر هم باعث افزایش دسته‌بندی‌ها و درگیری‌ها در شهر شد. عبدالله بهرامی، مأمور نظمیه اعزامی از تهران که مسئول تحقیق درباره قتل فون کاور بود، در توصیف خود از اصفهان از حضور مراجع گوناگون قدرت

۹۷. عبدالمهدی رجایی و مرتضی نورائی، «وضع امنیت راه‌های اصفهان در سال‌های پس از مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۳۲ق/ ۱۹۰۶-۱۹۱۴م)»، جستارهای تاریخی، سال سوم، ش دوم (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، ص ۱.

۹۸. محمدعلی همایون کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰)، ص ۸۱.

۹۹. نورائی، ص ۱۵۵.

۱۰۰. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سال ۱۳۳۲ق، پوشه ۳۷۸۵-۲۹۳، سند ۱.

۱۰۱. جناب، ص ۴۷.

و تصمیم‌گیری در این شهر خبر می‌دهد: حاکم شهر و سواران بختیاری او، آلمانی‌ها و طرفداران مسلح آنها، کنسول روسیه و سوارانی که صارم‌الدوله، پسر ظل‌السلطان، برای حمایت از او استخدام کرده بود، قشون اندک دولتی و مأموران ضعیف نظمیه.^{۱۰۲} در نتیجه، «در اصفهان معلوم نبود که کار در دست چه کسی می‌باشد. چند قوه مختلف با هم در مبارزه بودند.»^{۱۰۳} به گفته علی همای، یکی دیگر از شاهدان عینی، «رشته نظم در داخل شهر به کلی گسسته و اغتشاش و ناامنی به اوج خود رسیده بود.»^{۱۰۴}

آلمانی‌ها به وعده‌های خود در مورد کمک‌های مالی و نظامی به ایرانیان عمل نکردند.^{۱۰۵} از این رو، بعضی از اهالی اصفهان چنین تصور کردند که مقصود اصلی آلمان‌ها، مشغول داشتن قسمتی از نیروی روسیه در ایران و کاستن از قدرت نظامی آنها در اروپاست.^{۱۰۶} با این حال، نفرت ایرانی‌ها از روس‌ها باعث شد همکاری آلمانی‌ها با طرفدارانشان در اصفهان تداوم یابد که همین مسئله در نهایت سبب شد روسیه برای دفع آلمانی‌ها و طرفداران ایرانی آنها به این شهر لشکرکشی کند. اشغال اصفهان به دست روس‌ها و اداره آن با سیاست خفقان و سرکوب، با کمک خاندان ظل‌السلطان، برای مدتی به درگیری‌ها پایان داد، اما نحوه عملکرد روس‌ها در اصفهان خود نوعی رواج هرج و مرج حاصل از بی‌قانونی و ظلم و ستم بر مردم بی‌پناه اصفهان بود. به گفته جلال‌الدین همایی:

قزاق‌های روسی چه فضاحت‌ها و قتل و غارت و بی‌ناموسی‌ها در اصفهان کردند. شب‌ها مست و لایعقل در کوچه‌ها و بازارها مردم را لخت و به ناموس‌های محترم دست‌درازی می‌کردند و به خانه‌های مردم بیچاره وارد شده، با وقاحت و گستاخی طلب زن و به قول خودشان «ماتیشکا» می‌کردند و علانیه [= آشکارا] در روز روشن در معابر عمومی با الاغ ماده جمع می‌شدند و در رودخانه، خودشان دایره‌وار به هم بنده کرده، در یکدیگر می‌سپوختند و قاه‌قاه می‌خندیدند و به حرکت سر و دست، عابرین را هم دعوت می‌کردند و با چند کلمه فارسی غلط، حرف‌های رکیک به مردم می‌زدند. [...] برای دزدی و لخت کردن مردم هم شب و روز برای آنها فرقی نداشت.^{۱۰۷}

با وقوع انقلاب روسیه و خروج نیروهای روسی از ایران، هرج و مرج در شهرهای تحت اشغال

۱۰۲. بهرامی، صص ۳۲۸-۳۸۰.

۱۰۳. همان، ص ۳۶۷.

۱۰۴. همای، ص ۶۸.

۱۰۵. حسن اعظام قدسی، *خاطرات من*، ج ۱ (تهران: انتشارات کارنگ، ۱۳۷۹)، ص ۳۱۶.

۱۰۶. جناب، ص ۴۹.

۱۰۷. همایی، صص ۷۱۹-۷۲۰.

آنها، از جمله اصفهان، شدت گرفت. بنا به گفته میرزا عبدالجواد اخوت، یکی از شاهدان عینی در اصفهان، «با این که در روسیه انقلاب شده و سربازان روس مشغول ترک ایران هستند، باز سربازان روس، بی‌شرمانه، در مملکت ما از هرگونه ظلم و جور کوتاهی نمی‌کنند. مثلاً منات (پول روسی) خود را با ضرب شلاق به کسبه مظلوم ایرانی می‌دهند و بابت آن دو یا سه برابر قیمت معمولی آن، قران (پول ایرانی) می‌خواهند. هر کاسی که امتناع کند، فوراً دکان او را غارت می‌کنند و تا اندازه‌ای که طاقت دارد، او را کتک می‌زنند. گاهی شب‌ها، کاروانسراها و دکان‌های معتبر بازار را سرقت می‌کنند. گاهی در خانه‌ها می‌ریزند و اثاثیه مردم را می‌برند و صاحب منزل را شکنجه می‌کنند که به‌زور پول‌ها و جواهرات خود را بدهد.»^{۱۰۸}

با خروج روس‌ها از ایران و برکناری ظل‌السلطان از حکومت اصفهان، اعتضادالسلطنه در اوت ۱۹۱۷م/ ذی‌القعده ۱۳۳۵ق حاکم اصفهان شد و گرچه روزنه امیدی برای بهبودی اوضاع پدید آمد،^{۱۰۹} شرایط روزبه‌روز بدتر شد.^{۱۱۰} اعتضادالسلطنه جوانی بی‌تجربه بود که طی حکومت شش‌ماهه او بر اصفهان، به علت آزادگذاشتن قیمت‌ها و جلوگیری نکردن از محتکران و کم‌فروشان و بازگذاشتن دست سارقان، اوضاع آشفته‌تر و هرج و مرج بیشتر شد.^{۱۱۱} تا آن‌جا که اتحادیه تجار به علت ناتوانی او در برقراری امنیت به تهران شکایت کرد و خواستار برکناری او شد.^{۱۱۲} البته عزل او از حکومت اصفهان نه تنها اوضاع را بهتر نکرد، بلکه برای مدتی طولانی شهر را بدون حاکم در دست نایب‌الحکومه و کفیل حکومت در هرج و مرج غوطه‌ور ساخت. شایعات گوناگونی از حکومت افراد مختلف، از خان‌های بختیاری گرفته تا حکومت صارم‌الدوله، به گوش مردم می‌رسید،^{۱۱۳} که ظاهراً هیچ‌کدام درست نبود و عاقبت پس از حدود شش‌ماه سردار مفخم بختیاری، در ماه‌های پایانی جنگ، به حکومت اصفهان برگزیده شد.^{۱۱۴} از نظر نقش نیروهای خارجی، علت این تأخیر احتمالاً رقابتی بود که بین بختیاری‌ها و خاندان ظل‌السلطان وجود داشت. هر دو امیدوار بودند با جلب حمایت انگلستان، که پس از خروج نیروهای روسی از ایران تنها قدرت موجود بود، حکومت

۱۰۸. اخوت، صص ۲۲۰-۲۲۱.

۱۰۹. همان، ص ۲۲۱.

۱۱۰. همای، ص ۵۶.

۱۱۱. مفتش/ایران، س ۸، ش ۲ (اصفهان: شنبه ۱۳ رجب ۱۳۳۶ق)، صص ۱ و ۴.

۱۱۲. اخوت، ص ۲۳۹.

۱۱۳. همان، صص ۲۴۷-۲۴۸.

۱۱۴. همای، ص ۶۶۰.

اصفهان را تصاحب کنند.^{۱۱۵}

هرج و مرج موجود در شهر با ناامنی در راه‌های منتهی به آن همراه بود. در هنگام وقوع جنگ جهانی اول، مدت‌ها بود که راهزنانی مانند نایب حسین کاشانی و پسرش، ماشاءالله‌خان، در منطقه کاشان، راه‌های شمالی اصفهان به‌ویژه مسیر اصفهان-تهران را ناامن کرده بودند. رضاخان جوزدانی و جعفرقلی چرمپینی و اتباعشان هم در راه‌های جنوب غربی اصفهان راهزنی می‌کردند.^{۱۱۶} روابط نزدیک این راهزنان با اعیان و اشراف، حکام و عوامل داخلی باعث کارشکنی در سرکوب آنها و اسباب پایداری این ناامنی‌ها می‌شد.^{۱۱۷} اما به‌جز این، رقابت و درگیری قدرت‌های خارجی در استفاده از این نیروها بر ضد همدیگر سرکوب آنها را مشکل‌تر می‌کرد و در نتیجه به ناامنی‌ها دامن می‌زد. بنا به گزارش کنسول انگلیس در اصفهان، در سال ۱۹۱۴م/ ۱۳۳۲ق، روسیه با گسترش نفوذ خود در منطقه، از طریق تحت حمایت درآوردن املاک اشخاص در توابع اصفهان، در تشدید ناامنی‌ها نقش داشت، زیرا رضا جوزدانی در روستاهای تحت حمایت روس‌ها پناه گرفته بود.^{۱۱۸} نایب حسین کاشانی هم اموال خود را به بانک استقراضی روسیه اجاره داده بود که کنسول انگلیس درباره بعضی از راهزنی‌ها به تبانی کنسول روسیه و نایب حسین مشکوک شد.^{۱۱۹}

با حضور آلمانی‌ها هم در اصفهان، که تلاش داشتند اقشار و گروه‌های مختلف مردم را جذب کنند، بعضی راهزنان به استخدام آنها درآمدند. آلمانی‌ها در رقابت با روس‌ها می‌کوشیدند املاک نایب حسین را اجاره کنند و او را تحت نفوذ خود درآورند.^{۱۲۰} پوژن ماشاءالله‌خان را تحت حمایت عثمانی‌ها درآورد.^{۱۲۱} شونمان در فرح‌آباد اصفهان در کنار تعدادی از ژاندارم‌ها و افراد محترم، گروه‌های مختلف راهزنان را جمع کرد. از این عده می‌توان به علی‌خان سیاهکوهی یاغی با ۱۱۰ نفر، محمودخان استکی، یاغی اصفهانی که قبلاً یکی از سرکردگان نایب حسین بود، با ۵۵ نفر و حسین‌خان خوانساری (راهزن جاده خوانسار) با ۷۵ نفر^{۱۲۲} اشاره کرد. استخدام این گروه‌های راهزن

۱۱۵. اخوت، صص ۲۴۷-۲۴۸.

۱۱۶. رجایی و نورائی، صص ۱۳-۱۴.

۱۱۷. نورائی، ص ۱۶۲.

118. IPD, p. 609.

119. Ibid, p. 657.

۱۲۰. عبدالحسین نوایی و محمد بقایی شیرجینی، *نایب‌ان کاشان* (تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۹)، صص

۲۰۷-۲۰۸.

۱۲۱. همان، صص ۲۳۷-۲۳۹.

۱۲۲. همای، ص ۶۹.

که می‌توانست اقدامی مفید در جهت هدفمندساختن نیروی نظامی‌شان بر ضد دشمنان تلقی شود، در عمل نشان داد که آنها قادرند در مواقع لزوم از موقعیت سوءاستفاده کنند و باعث تشدید ناامنی شوند. برای نمونه، هنگامی که سپاه روسیه به اصفهان نزدیک شد، رضا جوزدانی و سردار صولت بختیاری، که قرار بود با روس‌ها بجنگند، به‌زور از مردم پول گرفتند^{۱۳۳} و پس از رویارویی با روس‌ها، در حین فرار از شهر هرچه را که به دستشان رسید غارت کردند.^{۱۳۴} استفاده حاکم شهر اصفهان، اعتضادالسلطنه، و همچنین حکومت تهران از این نیروها، در قالب استخدام رسمی‌شان به‌عنوان محافظان راه‌ها، باعث شد پای آنها به شهر باز شود و در نقش مأموران دولتی خانه‌های مردم را در روز نشان و در شب غارت کنند و عملاً راهزنی‌های خارج از شهر به داخل شهر آورده شود.^{۱۳۵}

۲-۲. تشدید کمبود نان و گرانی ارزاق

با وقوع انقلاب مشروطه و تزلزلی که در مدیریت کشوری و محلی رخ داد، مشکل کمبود نان و گرانی ارزاق که در طول دوران حکومت قاجار به‌تناوب وجود داشت، تشدید شد،^{۱۳۶} به طوری که منجر به قحطی بزرگی در دوران جنگ جهانی اول، سال ۱۹۱۷م/ ۱۳۳۵ق، شد. این قحطی حدود دو سال به طول انجامید^{۱۳۷} و تلفات زیادی به بار آورد، چنان‌که بعضی میزان مرگ و میرها را به‌گونه‌ای اغراق‌آمیز و غیر واقعی تا ده میلیون نفر تخمین زده‌اند.^{۱۳۸}

در اصفهان نیز مشکل کمبود نان در سال ۱۹۱۱م/ ۱۳۲۹ق منجر به بلوایی بر ضد بلدیه شهر و دیگر نهادهای مدنی شد، تعدادی از ادارات شهر تخریب و معاون بلدیه کشته شد.^{۱۳۹} در آستانه جنگ جهانی هم مشکل کمبود نان هنوز اسباب اعتراض مردم و معضلی برای حکومت بود.^{۱۴۰} بنابراین کنسول‌های روس و انگلیس از حاکم اصفهان، صمصام‌السلطنه، تقاضا کردند برای رفع مشکل کمبود نان، که باعث اعتراض آرامنه شهر و دیگر اهالی شده بود، کاری بکند.^{۱۴۱} صمصام‌السلطنه

۱۳۳. همایی، ص ۷۲۷؛ حسن جابری انصاری، آگهی شهان از کار جهان، ج ۳ (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، صص ۱۳۹-۱۴۰.

۱۳۴. جناب، ص ۴۱.

۱۳۵. همایی، صص ۵۶-۵۷.

۱۳۶. رجایی، تاریخ مشروطیت اصفهان، ص ۲۷۱.

۱۳۷. مجد، صص ۲۱-۲۲.

۱۳۸. همان، صص ۸۵-۹۵.

۱۳۹. رجایی، تاریخ مشروطیت اصفهان، صص ۲۸۹-۲۹۱.

۱۴۰. ملک‌المورخین، ص ۳۷.

۱۴۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سال ۱۳۳۲ق، پوشه ۱۷۴۸-۲۹۰، سند ۶ و ۱۷.

هم در جلسه‌ای با بزرگان شهر از تجار تعهد گرفت که گندم و جو به شهر وارد کنند.^{۱۳۲} اما ظاهراً اقدام او نتیجه‌ای در بر نداشت، زیرا سیزده روز بعد، وزارت داخله در تهران طی تلگرافی از حاکم اصفهان خواست که هرچه سریع‌تر برای رفع مشکل کمبود نان اقدام کند تا شورش‌پیش نیاید.^{۱۳۳} یکی از علل ناکامی صمصام‌السلطنه در رفع این مشکل، رقابت روسیه با انگلستان و مخالفت روسیه با حکومت صمصام‌السلطنه بر اصفهان بود، زیرا ظل‌السلطان بزرگ‌ترین ملاک اصفهان بود که املاک او تحت حمایت روسیه قرار داشت. کنسول روسیه تلاش می‌کرد از بالا بودن قیمت نان برای ضربه‌زدن به صمصام‌السلطنه و برکناری او از حکومت اصفهان استفاده کند.^{۱۳۴} بنابراین مردم را به علت کمبود نان بر ضد او تحریک می‌کرد.^{۱۳۵} در مقابل، صمصام‌السلطنه می‌خواست قیمت غلات را کاهش دهد که این امر به ضرر ظل‌السلطان بود. از این رو، روس‌ها صمصام‌السلطنه را متهم کردند که می‌خواهد غلات ظل‌السلطان را به‌زور از انبار او خارج کند که صمصام چنین ادعایی را رد کرد.^{۱۳۶}

با حضور آلمانی‌ها در اصفهان و سپس انعقاد قرار داد ۱۹۱۵م بین روسیه و انگلستان که به رفع اختلافات این دو قدرت انجامید، رقابت روس و انگلیس در اصفهان تبدیل به رقابت روسیه و آلمان شد. این رقابت منجر به درگیری‌های کشاورزان طرفدار دو کشور در اطراف اصفهان شد. با شدت یافتن جنگ و تسلط روس‌ها بر اصفهان، گرانی اجناس عمومی^{۱۳۷} و مشکل کمبود نان به تدریج تبدیل به قحطی شد. گذشته از عوامل داخلی مانند خشکسالی، آفت‌های طبیعی، ناامنی در راه‌ها، احتکار ملاکین و غیره،^{۱۳۸} علل خارجی این قحطی عبارت بودند از: اقدامات روس و انگلیس در خریداری و انبار غله برای تأمین نیاز نیروهای خود در ایران، تا آن‌جا که حتی بانک شاهنشاهی انگلیس هم غله می‌خرید و انبار می‌کرد؛^{۱۳۹} همچنین نیروهای روسی در هنگام خروج خود از ایران، از هر جا که عبور می‌کردند، آزادانه آن‌جا را غارت می‌کردند و در نتیجه به گسترش

۱۳۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سال ۱۳۳۲ق، پوشه ۱۷۴۸-۲۹۰، سند ۵.

۱۳۳. همان، سند ۱۴.

134. IPD, p. 632.

۱۳۵. ملک‌المورخین، ص ۳۹.

136. IPD, p. 653.

۱۳۷. اخوت، ص ۲۱۴.

۱۳۸. قهرمان‌میرزا سالور، روزنامه *خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۶ (تهران: انتشارات اساطیر،

۱۳۷۸)، صص ۴۷۷۱ و ۴۸۶۱؛ اخوت، ص ۲۴۱.

۱۳۹. سالور، ج ۶ ص ۴۹۰۴.

قحطی دامن می‌زدند.^{۱۴۰} آنها در حکم نیروهای شورشی‌ای بودند که از شدت گرسنگی دزدی و غارت می‌کردند.^{۱۴۱}

بعد از خروج نیروهای روسی از ایران، تعداد نیروهای انگلیسی و فعالیت آنها در ایران برای بسط نفوذ خود در کشور افزایش یافت. یکی از نتایج این حضور بیشتر، خرید غله به قیمت بالا و حتی پیش‌خرید و انبار آن بود.^{۱۴۲} برای نمونه، انگلیسی‌ها برای تأمین غذای نیروی پلیس جنوب، غله فریدن و چهارمحال را به جنوب حمل می‌کردند که این اقدام باعث افزایش قیمت غله^{۱۴۳} و طمع محترکان ایرانی برای فروش محصول خود به انگلیسی‌ها برای کسب سود بیشتر شد.^{۱۴۴} بنابراین در فاصله‌ای هشت‌ماهه، از اواخر ذی‌القعدة ۱۳۳۵ق/ سپتامبر ۱۹۱۷م تا اوایل رجب ۱۳۳۶ق/ آوریل ۱۹۱۸م، قیمت گندم به‌تناب با تورم پانصد درصدی از خرواری ۴۰ تومان به خرواری ۲۰۰ تومان رسید^{۱۴۵} و حتی تا یک ماه بعد، قیمت آرد گندم به خرواری ۳۰۰ تومان افزایش یافت.^{۱۴۶} قیمت برنج هم در این مدت شش برابر شد و از منی یک تومان به منی شش تومان رسید.^{۱۴۷}

این گرانی و کمبود ارزاق باعث شد مردم برای فرار از مرگ به کارهای گوناگونی دست بزنند. برخی افراد از فرط گرسنگی حتی در روز روشن هم از خانه‌ها و دکان‌های مردم دزدی می‌کردند. بعضی که اسب و تفنگی داشتند به‌تنهایی یا با پیوستن به گروه‌های راهزن خارج از شهر به راهزنی می‌پرداختند. عده زیادی، اعم از زن و مرد، به خودفروشی و قوادی روی آوردند.^{۱۴۸} به دلیل شدت گرسنگی «در هر گوشه که اسب و قاطر و خر نیم‌جانی به خیال استراحت افتاده و خواسته باشند غلطی زده، نفسی بیاسایند، فوراً فقرای شهر بدون بیم و تصور مؤاخذه بر سر آن حیوان زنده ریخته، با دندان و ناخن زنده‌زنده قطعات گوشت از بدن آن حیوان جدا ساخته، خام‌خام فرو می‌برند.»^{۱۴۹}

۱۴۱. اخوت، ص ۲۳۲.

۱۴۲. همان، صص ۲۳۸-۲۴۰.

۱۴۳. جابری انصاری، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان، صص ۳۷۵-۳۷۶.

۱۴۴. مجد، ص ۱۳۱.

۱۴۵. اخوت، صص ۲۲۳ و ۲۴۵.

۱۴۶. همان، ص ۲۵۶.

۱۴۷. همان، صص ۲۲۳ و ۲۵۶.

۱۴۸. اخوت، ص ۲۵۱.

۱۴۹. مفتش ایران، ص ۴.

«گرسنگان خون و استخوان می‌خوردند. اطفال گرسنه با سگان ولگرد در خرابه‌ها بر سر گوشت و استخوان لاشه خر مرده در تنازع بودند و لقمه از چنگال یکدیگر می‌ربودند. در غسل خانه‌ها مرده انباشته و بوی عفونت همه جا را گرفته بود.»^{۱۵۰} این در حالی بود که محترمان با بی‌اعتنایی با اسب و کالسکه از روی اجساد مردگان می‌گذشتند و نوکران آنها دست رد به سینه کودکانی می‌زدند که در هنگام عبور آنان، از گرسنگی با رنگ پریده، گردن کج و لخت و عریان برای لقمه‌ای نان التماس می‌کردند.^{۱۵۱}

آلودگی هوا و بیماری‌هایی مانند حصبه، وبا، استسقا و آنفولانزا هم مزید بر علت شد.^{۱۵۲} آن قدر اجساد مردگان زیاد شد که فرصت حمل آنها به قبرستان و وسایل کفن و دفن آنان وجود نداشت.^{۱۵۳} در این قحطی حدود صد هزار نفر از مردم اصفهان و توابع آن جان باختند.^{۱۵۴} درباره نقش انگلیسی‌ها در افزایش قیمت ارزاق و ایجاد قحطی، موارد دیگری نیز بیان شده است؛ مانند، واردنکردن غله از هندوستان به خاطر حفظ ظرفیت کشتی‌های انگلیسی در جنگ و اختلال گری آنها در تجارت ایران با آمریکا و بین‌النهرین به واسطه محمدقلی مجد^{۱۵۵}، که البته اثبات این موارد احتیاج به مدارک بیشتری دارد و به نظر می‌رسد بیشتر به علت ضعف سیستم حمل و نقل کشوری و خرابی جاده‌های ایران در آن دوره باشد.

۲-۳. ایجاد خفقان و استبداد

مهم‌ترین دستاورد انقلاب مشروطه تشکیل مجلس شورا و ایجاد فضای باز سیاسی بود. از مصادیق این شرایط، انتشار روزنامه‌های آزاد و متنوع بود. این دستاوردها در مقاطعی به علل مختلف دچار وقفه می‌شد و تعطیلی مجلس شرایط را برای جلوگیری از تداوم این فضا و تعطیلی روزنامه‌ها تشدید می‌کرد. یک نمونه آن، تعطیلی مجلس سوم شورای ملی بود. مجلس سوم در حدود چهارماه پس از شروع جنگ جهانی با وجود مخالفت روس و انگلیس تشکیل شد،^{۱۵۶} اما پس از ۱۱ ماه و ۲۰ روز به

۱۵۰. همایی، ص ۶۸۱.

۱۵۱. کاشف اسرار، ش ۱۱ (اصفهان: دوشنبه ۱۰ صفر ۱۳۳۶ق)، ص ۱.

۱۵۲. اخوت، صص ۲۴۵ و ۲۶۰ و ۲۷۷.

۱۵۳. سیدمعزالدین مهدوی، *داستان‌هایی از پنجاه سال* (تهران: چاپخانه وحید، ۱۳۴۸)، ص ۱۱.

۱۵۴. همایی، ص ۷۲۸.

۱۵۵. مجد، صص ۱۲۱-۱۶۳.

۱۵۶. سپهر، ص ۴۷.

علت مهاجرت جمعی از نمایندگان مجلس از تهران به قم، از اکثریت افتاد و تعطیل شد.^{۱۵۷} تعطیلی مجلس باعث شد دولت مرکزی، که تحت فشار روس و انگلیس بود، برای محدود کردن فضای باز جامعه اقداماتی انجام دهد. زیرا اکثریت نمایندگان مجلس دموکرات بودند و تحت فشار افکار عمومی و روزنامه‌ها از آلمان و عثمانی بر ضد روس و انگلیس طرفداری می‌کردند.^{۱۵۸} بنا بر گزارش کنسول انگلیس، «بعد از تعطیلی مجلس، روزنامه‌های محلی همگی ناپدید و نهادهای دموکراتیک به علت انتقاد از حکومت سرکوب شده‌اند. روزنامه مجلس برای چاپ یک تلگراف آتشین از علمای نجف که قبایل را بر ضد تهاجمات خارجی تحریک می‌کرد، توقیف شد.»^{۱۵۹}

اشغال اصفهان توسط روس‌ها در این ایام باعث شد فضای استبدادی شدیدی در مدت یک و سال نیم حاکمیت خاندان ظل‌السلطان بر شهر حاکم شود. روس‌ها برای ترساندن اهالی شهر دست به اقدامات شدیدی زدند. از آن‌جا که همه سران و افراد مهم از مجاهدین شهر که مخالف متفقین و از دوستان آلمانی‌ها بودند، شهر را ترک کرده بودند، افراد کم‌اهمیتی که به نوعی مظنون به طرفداری از آلمان‌ها و از زمره آزادی‌خواهان شهر و مخالف روس‌ها بودند، تحت تعقیب قرار گرفتند.^{۱۶۰} روزنامه‌های شهر از انتشار بازماندند و اندک روزنامه‌هایی هم که در تهران چاپ می‌شدند، اجازه ورود به اصفهان را نداشتند و یافتن روزنامه‌ای نزد کسی، جرمه سنگینی داشت. تلگراف‌ها و نامه‌های پستی به شدت سانسور می‌شدند. وقتی محموله‌های پستی می‌رسید، ابتدا به کنسول خانه روسیه برده می‌شد و هر یک را که صلاح می‌دانستند به صاحبش تحویل می‌دادند و اگر در نامه‌ها چیزی بر ضد روس‌ها نوشته شده بود، صاحبش گرفتار می‌شد. تجمع در شهر ممنوع بود، به طوری که حتی جلوی مهمانی‌های خصوصی مردم گرفته می‌شد و مهمانی‌دادن باعث زندانی‌شدن و یا حتی تبعید شخص می‌گردید. تا این‌که بالاخره با خروج روس‌ها و برکناری ظل‌السلطان فضا باز شد و حتی اجتماعات گوناگونی بر ضد روس‌ها و دیگر بیگانگان برپا گردید و روزنه امیدی به آینده گشوده شد.^{۱۶۱}

۱۵۷. ابوالقاسم کحال زاده، دیده‌ها و شنیده‌ها: خاطرات میرزا ابوالقاسم‌خان کحال زاده، به کوشش مرتضی کامران (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۰)، ص ۱۳۸.
 ۱۵۸. سپهر، صص ۴۴-۴۶.

159. IPD, p. 410.

۱۶۰. جناب، ص ۴۴.
 ۱۶۱. اخوت، صص ۲۲۲-۲۲۳.

نتیجه گیری

جنگ جهانی اول، به رغم اعلام بی طرفی ایران، باعث دخالت قدرت های خارجی در ایران و اشغال آن شد. شهر اصفهان به دلیل قرار گرفتن در قسمت جنوبی منطقه نفوذ روسیه، نزدیکی به منطقه بی طرف و قرار گرفتن در مرکز ایران و بر سر راه های تجاری کشور، به عرصه رقابت میان روس و انگلیس تبدیل شد. آلمانی ها نیز آن را مرکزی برای رسیدن به افغانستان و جذب عشایر و قبایل می دانستند. آنها تلاش می کردند با استفاده از نفرت عمومی علیه حضور استعماری روس و انگلیس در ایران و با وعده کمک های مالی و تسلیحاتی و تبلیغات گوناگون، اقشار مختلف اجتماعی را جذب کنند و به منافع روسیه و انگلیس ضربه بزنند.

رقابت و درگیری سه نیروی خارجی در اصفهان، در دو جبهه متحدین و متفقین، در حالی که هر یک از طرفداران داخلی خویش استفاده می کردند، باعث شد اوضاع و شرایط اجتماعی موجود، که خود تحت تأثیر وقایع حاصل از انقلاب مشروطه هم بود، تشدید شود. این شرایط عبارت بود از: کمبود نان، که خوراک اصلی مردم بود، هرج و مرج در اداره شهر و ناامنی در راه های مواصلاتی منتهی به شهر.

فعالیت آلمانی ها در اصفهان در حالی که اکثریت اهالی طرفدار آنها بودند، باعث درگیری نیروهای مختلف اجتماعی در شهر، اشغال آن توسط روس ها برای دفع آلمانی ها و طرفداران ایرانی آنها، خروج روس ها و ایجاد خلأ قدرت شد که در مجموع آشفتگی و هرج و مرج را در اداره شهر تشدید کرد.

حضور دولت های رقیب در حالی که در جهت منافع خود، دسته های راهزنی را به استخدام خود درمی آوردند، شرایط ناامن موجود را پیچیده تر و سرکوب راهزنان را مشکل تر کرد و در عین حال با به رسمیت شناختن این دسته های راهزنی، پای آنها را به شهر و محل زندگی مردم باز کرد و ناامنی های موجود را گسترش داد. اما با بیرون رفتن رقبا از عرصه قدرت، حداقل انگلستان توانست با کمک نیروی پلیس جنوب نقش مهمی در سرکوبی راهزنان در جهت منافع خویش ایفا کند.

همچنین حضور گسترده نیروهای نظامی روس و انگلیس برای مقابله با آلمانی ها و طرفدارانشان باعث شد تا با اشغال اصفهان، هرگونه آزادی و دستاورد حاصل از انقلاب مشروطه در شهر سرکوب شود و آنها منابع غذایی کشور را مصرف و یا حتی غارت کنند. در نتیجه به تدریج مشکل کمبود نان و گرانی ارزاق در کنار عوامل داخلی، مانند خشکسالی، احتکار، سوء مدیریت و غیره، به قحطی بزرگی تبدیل گردید که طی آن انسان های زیادی جان باختند.

در مجموع حضور نیروهای آلمانی در اصفهان که به ندرت به وعده‌های خود وفا کردند، همراه با ضعف دولت مرکزی که قادر به حفظ بی‌طرفی ایران نبود باعث مداخله بیشتر نیروهای بیگانه در شهر شد که اصل مسئله رقابت آنها با یکدیگر، که در پی حذف هم با استفاده از نیروهای داخلی بودند، باعث درگیری نیروهای داخلی و خارجی مختلف موجود در شهر و توابع آن و تشدید شرایطی در جامعه شد که منابع مالی و انسانی شهر را تلف کرد و اوضاعی را به وجود آورد که بحران‌های خود را بازتولید می‌کرد. چنان که گرسنگی و قحطی منجر به دزدی و راهزنی، افول اخلاقیات و انواع مفاسد اجتماعی می‌شد و ناامنی و هرج و مرج خود یکی از عوامل کمبود نان و قحطی بود.

منابع

- اخوت، حاج میرزا عبدالجواد. *از طبابت تا تجارت خاطرات یک تاجر اصفهانی*. به کوشش مهدی نفیسی. تهران: نشر تاریخ ایران. ۱۳۸۶.
- اسپاروی، ویلفرید. *فرزندان درباری ایران*. ترجمه محمدحسین آریا لرنستانی. تهران: انتشارات قلم. ۱۳۶۹.
- اشرف، احمد و علی بنوعیزی. *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: انتشارات نیلوفر. ۱۳۸۷.
- اعظام‌قدسی، حسن. *خاطرات من*. ج ۱. تهران: انتشارات کارنگ. ۱۳۷۹.
- باست، الیور. *آلمانی‌ها در ایران*. ترجمه حسین بنی‌احمد. تهران: نشر شیرازه. ۱۳۷۷.
- بلوشر، ویبرت. *سفرنامه بلوشر*. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: انتشارات خوارزمی. ۱۳۶۳.
- بهرامی، عبدالله. *خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا*. تهران: انتشارات علمی. ۱۳۶۳.
- جابری انصاری، حسن. *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*. اصفهان: روزنامه و مجله خرد. ۱۳۲۲.
- _____ *آگهی شهن از کار جهان*. ج ۳. بی‌جا: بی‌نا. بی‌تا.
- جناب، ضیاء‌الدین. *ایام پرتلاطم (نگاهی به تحولات مشروطه و بنیاد آموزش نوین در اصفهان)*. به اهتمام رضا بیطرفان و مولود ستوده. تهران: انتشارات شیرازه. ۱۳۹۵.
- دانشور علوی، نورالله. *تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری*. به کوشش حسین سعادت نوری. تهران: کتابخانه دانش. ۱۳۳۵.
- رایت، دنیس. *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*. ترجمه لطفعلی خنجی. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۵۹.
- رجایی، عبدالمهدی. *تاریخ مشروطیت اصفهان*. اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. ۱۳۸۵.
- _____ *اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان. ۱۳۸۶.
- رجایی، عبدالمهدی و مرتضی نورائی. «وضع امنیت راه‌های اصفهان در سال‌های پس از مشروطه (۱۳۲۴-»

- ۱۳۳۲ق/ ۱۹۰۶-۱۹۱۴م). «جستارهای تاریخی. سال سوم. ش دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۱. رضازاده‌ملک، رحیم (به اهتمام). *انقلاب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس* (کتاب‌های آبی). تهران: انتشارات مازیار و معین. ۱۳۷۷.
- رضاقلی‌زاده‌آهنگر، نرگس. «اصفهان و جنگ جهانی اول». مجموعه مقالات همایش اصفهان مشروطه اصیل ایرانی. به اهتمام محمدعلی چلونگر. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری. ۱۳۸۵.
- روشه، گی. *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی. ۱۳۸۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. سال ۱۳۳۲ق. پوشه ۱۷۸۴-۲۹۰. سند ۵، ۶، ۱۴ و ۱۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. سال ۱۳۳۳ق. پوشه ۳۰۲۴-۲۹۱. سند ۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. سال ۱۳۳۲ق. پوشه ۳۷۸۵-۲۹۳. سند ۱.
- سالور، قهرمان میرزا. *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. ج ۶ تهران: انتشارات اساطیر. ۱۳۷۸.
- سپهر، مورخ‌الدوله. *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*. تهران: نشر ادیب. ۱۳۶۲.
- سفیری، فلوریدا. *پلیس جنوب ایران*. ترجمه منصوره اتحادیه و منصوره جعفری‌فشارکی. تهران: نشر تاریخ ایران. ۱۳۶۴.
- شریف‌همایون، سیدمحمد. *خاطرات شریف‌همایون*. تصحیح عبدالمهدی رجایی. قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی. ۱۳۹۴.
- کاشف اسرار. اصفهان: دوشنبه ۱۰ صفر ۱۳۳۶ق. ش ۱۱.
- کاظم‌زاده، ف. «روابط ایران با روسیه تا سال ۱۹۲۱». *تاریخ ایران کمبریج دوره افشار، زند و قاجار*. به سرپرستی پیتر آوری. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. دفتر اول از جلد هفتم. تهران: انتشارات جامی. ۱۳۸۷.
- کحال‌زاده، ابوالقاسم. *دیده‌ها و شنیده‌ها: خاطرات میرزا ابوالقاسم‌خان کحال‌زاده*. به کوشش مرتضی کامران. تهران: نشر البرز. ۱۳۷۰.
- گارثویت، جن راف. *تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری*. ترجمه مهرباب امیری. تهران: نشر آژان. ۱۳۷۳.
- گرکه، اولریخ. *پیش به سوی شرق*. ترجمه پرویز صدری. ج ۱. تهران: کتاب سیامک. ۱۳۷۷.
- مابرسی، جیمز. *عملیات در ایران (جنگ جهانی اول ۱۹۱۹-۱۹۱۴)*. ترجمه کاوه بیات. تهران: انتشارات رسا. ۱۳۶۹.
- مجد، محمدقلی. *قحطی بزرگ*. ترجمه محمد کریمی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. ۱۳۸۷.
- ملایی‌توانی، علیرضا. «جنگ جهانی اول آلمان‌ها و رخنه در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران». *تاریخ معاصر ایران*. سال اول. ش ۳. پاییز ۱۳۷۶.
- ملک‌المورخین، عبدالحسین‌خان. *سفرنامه و تاریخ اصفهان*. به کوشش حسن جوادی. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار یزدی. ۱۳۹۲.
- مفتش ایران. اصفهان: شنبه ۱۳ رجب ۱۳۳۶ق. ش ۲.
- مهدوی، سیدمعزالدین. *داستان‌هایی از پنجاه سال*. تهران: چاپخانه وحید. ۱۳۴۸.

نورائی، مرتضی. «راهزنی در جاده‌های ایالت اصفهان و اتباع بیگانه». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. ش ۳۶ و ۳۷. بهار و تابستان ۱۳۸۳.

نوایی، عبدالحسین و محمد بقایی شیره‌جینی. *نایب‌ان کاشان*. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران. ۱۳۷۹.

نیدرمایر، اسکارفن. *زیر آفتاب سوزان ایران*. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: نشر تاریخ ایران. ۱۳۶۳.

وحید دستگردی، حسن. *دیوان وحید دستگردی*. به کوشش س. وحیدنیا. تهران: چاپ آفتاب. ۱۳۷۴.

وحید مازندرانی، ع. *قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس راجع به ایران*. تهران: کتابخانه سقراط. ۱۳۲۸.

همامی، علی. *خاطرات همامی*. به اهتمام عبدالمهدی رجایی. قم: مرکز نشر ذخایر اسلامی. ۱۳۹۴.

همایون کاتوزیان، محمدعلی. *دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی*. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز. ۱۳۸۰.

همایی، جلال‌الدین. *تاریخ اصفهان حوادث و وقایع و حکام و سلاطین اصفهان*. به کوشش ماهدخت بانوهمایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۹۵.

Iran Political Diaries (IPD). Editor: R.M. Burrell. vol. V. London: National Archive Edition. 1997.

Walcher, Heidi A. *In the Shadow of the King: Zill al-Sultan and Isfahan under the Qajars*. London: I. B. Tauris. 2008.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی